

بسم الله الرحمن الرحيم

نشست پنجم:

مبانی و مولفه ها در کار تشکیلاتی

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

به علت اینکه برخی دوستان جدید هستند و کمی بین این جلسه و جلسات قبلی فاصله افتاده خیلی خلاصه عرض می کنم که داشتیم چه می گفتیم.

مقدماتی از تشکیلات

درس اخلاق و آداب تشکیلاتی است. اخلاق تشکیلاتی در اخلاق اسلامی یک مسئله فردی نیست که من بروم اخلاق خودم را درست بکنم و بعد بیایم داخل یک مجموعه و شروع به کار بکنم و بعد این مسئله [اخلاق تشکیلاتی] حل بشود. در مورد دلیلش هم کمی صحبت کردیم که خیلی جاها در یک تشکیلات، افراد باهم به مشکل برخورد می کنند، زیرا که هر فرد می خواهد همان اخلاق فردی را اجرا بکند و یا حتی ممکن است رفتار شما خیلی جمعی باشد ولی تشکیلات، تشکیلات اخلاقی و درستی نیست. لذا مجموعاً بنابراین شد که اگر یک مجموعه تشکیلاتی بخواهد از نظر اخلاقی درست و اسلامی باشد باید به مسئله، دو طرفه نگاه کنیم. همان نگاه کلان اسلامی نسبت به بحث حکومت و امثال این ها. یعنی ما هم یک نگاه نسبت به افراد داشته باشیم و هم یک نگاه به ساختار. در این جلسات هم اخلاق تشکیلاتی مد نظر است و هم تشکیلات اسلامی و اخلاقی.

بنابراین برای حاکمیت یک بینش توحیدی، هم باید نظر ها به [خود] افراد معطوف شود و هم به خود ساختارها. به هردو باید توجه بشود. ما باید هردو را اصلاح بکنیم و باید این دو همزمان باشد که مسئله ای حل بشود. یعنی فقط روی افراد زوم نکنید. اگر چنین چیزی باشد ما ناگزیر از یک مطلب هستیم و آن این است که اگر بخواهیم وارد اخلاق تشکیلاتی بشویم باید وارد تشکیلات اسلامی بشویم.

اصول و مبانی تشکیلات

حالا اصلا این تشکیلات چیست و چه آداب و اصولی دارد که من وقتی می خواهم از بیرون وارد این مجموعه بشوم باید آنها را رعایت بکنم؟

رعایت این آداب و اصول بعلاوه خلیات درونی من میشود اخلاق تشکیلاتی. از همین جا وارد این بحث شدیم که جایگاه تشکل در اسلام کجاست؟ و خود تشکل چیست و تفاوت تشکل با تجمع را بیان کردیم و گفتیم که تشکل، تجمع نیست. در تجمع بالاخره یک عده ای دور هم جمع می شوند و مثلا جنازه یک نفر را تشییع می کنند. « تحسبهم جمیعا و قلوبهم شتی ». این هارا نمی شود گفت تشکل. در تشکل "قلوبهم شتی" نیست.

یا مثلا عده ای که در صف نانوایی هستند شکل نیستند ولی مثلا صنف نان فروشان تشکل هستند. چون هدفی مشترک دارند.

بعد از این، وارد مبانی تشکل شدیم. در آنجا عرض شد که اصلا هدف تشکل چیست و ما چرا باید از خودیت و محوریت خود خارج بشویم و بگوییم که تنهایی نه؟ بعضی ها می گویند اتفاقا ما تنهایی سرعتمان در کار خیلی بیشتر است. وقتی وارد مجموعه ای می شویم، سرعتمان گرفته می شود. اصلا ما به راحتی داشتیم خودسازی می کردیم و به تکامل می رسیدیم! ولی از وقتی وارد مجموعه شدیم احساس کردیم که به نوعی در حال ضربه خوردن هستیم و خلاصه از این قبیل حرف ها.

مؤلفه های تشکیلات

سپس وارد مؤلفه های تشکیلات شدیم. یعنی ما هنوز وارد اخلاق تشکیلاتی نشدیم.

اگر بخواهیم مؤلفه های یک تشکیلات را بررسی کنیم، به دو بخش سخت افزار و نرم افزار تقسیم می شود. در سخت افزار اولین و مهمترین مؤلفه ای که بیان شد، ولایت طولی بود. مطلبی را از قرآن خدمت شما عرض بکنم: اگر شما به سوره شعرا (که یک سوره فرهنگی است) نگاه کنید، می بینید که یکی از آیاتی که در این سوره ۸ بار تکرار می شود این است: « فاتقوا الله و اطیعون ». این موضوع به زیبایی در فیلم حضرت سلیمان گنجانده شده بود. این دو مطلب در اینجا مطرح است: یعنی اول حاکمیت ارزش های الهی در یک جامعه و دوم حاکمیت از طریق این ولایت طولی. برخی ها اتقوا الله را قبول داشتند ولی اطیعون را خیر

مثل ابلیس یا مثل افرادی که در جامعه که با خدا هستند ولی ولایت فقیه را قبول ندارند. اتقوا الله همان قوانین ثابت یک نظام اسلامی را مشخص می کند و یک ساختار مشخص و معین و محکم را معلوم می کند. اما اینکه در این ساختارها چطور و به چه طریقی و اینکه چه کار باید کرد را ولایت طولی (اطیعون) بیان می کند. بندگی در همین جاها مشخص می شود؛ یک عده در جامعه اسلامی عادت به سرعت دارند، یک عده عادت به کندی دارند. این ها بنده نیستند. بنده کسی است که اگر پلیس سر چهار راه، چراغ راهنمایی را تغییر داد و قرمز کرد، تبعیت کند. این در حوزه اختیارات ولی جامعه است. ولی تشخیص می دهد که چه اتفاقی بیفتد.

برای همین عرض شد که گوش به زنگ بودن خیلی مهم است. اصلاً تمام اتقوا الله را رعایت کنی ولی گوش به زنگ نباشی، آن اتفاقی که باید بیفتد نمی افتد. فرض کنید در جامعه اسلامی امام حسین علیه السلام امری دهد. در آن شرایط چشم به راه ولی بودن خیلی سخت است. یعنی شما بعد از اینکه اتفاقاتی افتاد، نگویند که عجب! حضرت آقا این موضوع را خیلی فرمودند، گفتند که جنگ جنگ واقعی است، دانشجویان عزیز شما جزء افسران این جنگ هستید.

ارتباط طولی و عرضی

همان طور که گفتیم « اتقوا الله » دستورات ثابت و « اطیعون » امور متغیر و نحوه و کیفیت و ... است که ولی جامعه آن را مشخص می کند. از این موارد عبور می کنیم.

بعد از این ارتباط طولی، یک ارتباط یا ولایت عرضی داریم. گفتیم مومنین بین خودشان ولایت دارند. برای ورود به این نطلب باید این نکته را توجه داشته باشید. مهمترین رکن در ولایت عرضی این است که اولاً شما بدانید که در یک مجموعه و سیستم در حال فعالیت هستید. یعنی فکر نکنید که از بیرون آمده اید و می خواهید برای خودتان کار کنید؛ مثلاً بنده فردی را در نماز جمعه دیدم که در حین برگزاری ۲ رکعت نماز جمعه، در حال خواندن نماز فردی بود! آن شخص احتمالاً فکر می کرده که فردی که امام جماعت است صلاحیت لازم را ندارد! بالاخره اینکه آدم بیاید توی یک مجموعه ولی می خواهد فردی مشغول باشد این تناقض دارد با حضورش در مجموعه، این آدم تبدیل می شود به یک موجود مخل مجموعه، و از آن روزی که وارد تشکیلات شد چون دارد خلاف روح جمعی که توی اسلام است عمل می کند به فضل

الهی! از نظر شخصیتی و معنوی در حال سقوط است.

حالا اگر بخواهیم ملاحظاتش را بگوییم باید مقدمه ای عرض کنم که چرا این قدر مساله می تواند مهم باشد. شهید مطهری در بحث انسان کامل، می خواهد بگوید که انسانی که یک خصلت با خودش بخواند حمل کند و بخواند برسد به سر مقصد، یک کار نسبتا ساده ای را دارد انجام می دهد، ممکن است اینجا به شما بگویند که شما با ۱۰ خصلت می توانید تبدیل بشوید به انسان کامل و از خطی رد می شوید.

مثلا کسی که یک توپ برمی دارد می دود و به راحتی حرکت می کند ولی کسی که ۴ توپ برمی دارد نمی تواند به راحتی بدود. انسان کاملی که خدا از ما خواسته یک پک و مجموعه هست که اگر این را با خودت نیاوری پذیرفته نیست. برای همین است که وقتی وارد مجموعه ای می شوید شما باید هدف را ببینید.

اهمیت کار تشکیلاتی بیان شد، اگر وارد شوید و باید شرایط آن را عمل کنید. اصلا حضور شما در تشکیلات برای چی هست. ما گاهی اوقات فکر می کنیم با حضور پر خیر و برکت ما، یک مجموعه منور م می شود! ولی تلقی خدای متعال این نیست. تلقی خدای متعال همان است که بعضی ها به امام حسین علیه السلام گفتند ما وقت نداریم با شما بیاییم؛ نه بگو توفیق ندارم همراه شما باشم.

سرلوحه در کار تشکیلاتی

حضرت آیت الله حسن زاده آملی در الهی نامه اش فرمود: خدایا تو را شاکرم که من در شب ليله الرغائب فهمیدم دین تو حافظ ماست نه ما حافظ دین تو. این جمله را حفظ کنید و سرلوحه کار تشکیلاتی خود قرار دهید. خدا دارد از بالا نگاه می کند تا ببیند که شما چطور کار می کنید و تعامل دارید، آیا شما کار خود را برای دیگران زمین می گزاید یا نه.

خدا ما را در یک جمعی آورده، بعد این کنش و واکنش ها که رخ می دهد برای این است که اسلام گفته با این در گیری ها، انسان ساخته می شود. اگر دیدید در یک مجموعه یک مشکل پیش آمد، بدانید که خدا دارد این ها را نزدیک هم می کند، پس یک دفعه عصبانی نشوید. در این جاها انسان ساخته می شود، پس قصد ساخته شدن است. ما آمده ایم در یک عرصه ای، پس اصل در ولایت عرضی این است که ما در یک تیم آمدیم کار کنیم و در کار گروهی با از خود محوری خروج کنیم.

قبل از اینکه وارد تشکیلات بشوید پای روی خودت بگذاری، لذا گشایش حاصل می شود.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته